



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.85227.1252>

پژوهشی

بررسی هیدروهمژمون رژیم اسرائیل در حوضه آبریز رود اردن و پیامدهای آن بر همسایگان

سید مهدی موسوی شهیدی (استادیار گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

عباس خطیبی (دانشجوی کارشناسی ارشد ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران)

a.khatibi20232023@gmail.com

چکیده

هیدروهمژمون به عنوان یکی از ابعاد مطالعاتی هیدروپلیتیک اشاره به سلطه دولت‌ها بر منابع آب در حوضه‌های آبی مشترک و جلوگیری از دسترسی سایر کشورهای حوضه از منابع آب می‌باشد. بررسی منابع آب در خاورمیانه بیان‌کننده عدم تناسب بین توزیع جمعیت و آب شیرین است که موجب بروز کشمکش‌های متعددی بر سر منابع آب گردیده است که این زمینه باعث شکل‌گیری هیدروهمژمون بر حوضه‌های آبی مشترک گردیده است که در حال حاضر این در مواردی نظیر «رود اردن» مشاهده می‌گردد. بنابراین این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی هیدروهمژمون رژیم اسرائیل بر سر رودخانه اردن و پیامدهای آن بر همسایگان می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل با اشغال مناطق بالادست سرشاخه‌های اصلی رود اردن مانند بلندی‌های جولان، دریاچه‌ها، چشمه‌های محلی، انتقال آب به دریاچه بحرالمت از طریق کانال، احداث چاه‌های عمیق و ممانعت از احداث چاه توسط جوامع محلی سعی بر آن داشته است تا علاوه بر تأمین نیاز آبی خود، مانع از دسترسی مستقیم سایر جوامع به این منابع آبی گردد. این رژیم با بهره‌گیری از هیدروهمژمونی نرم و با ایجاد شرایط نامناسب زندگی، جوامع محلی را مجبور به پذیرش قوانین مدنظر در جهت تأمین نیازهای استراتژیک خود می‌نماید. مهم‌ترین پیامدهای این اقدامات در کشورهای پیرامون (فلسطین، سوریه، لبنان) عبارت‌اند از اجبار کردن جوامع بومی به مهاجرت به خصوص در بلندی‌های جولان و نوار غزه، مشکلات تأمین آب شرب و پیامدهای معیشتی آن، کاهش توان تولید محصولات کشاورزی و حذف رقبا از بازار، اعمال نفوذ بر فرهنگ جوامع اطراف از طریق اعمال سازوکارهای اجباری برای بهره‌مندی از آب، مشکلات زیست محیطی و ایجاد بحران هویتی بواسطه گسترش فرهنگ صهیونیسم و زبان عبری.

واژگان کلیدی: هیدروهمژمون، هیدروپلیتیک، رود اردن، رژیم صهیونیستی، خاورمیانه.

مقدمه

هیدروهمژمون به عنوان یک مفهوم در حوزه هیدروپلیتیک مطرح شده است. در حقیقت همژمونی در تلاش است تا از طریق ایجاد سلطه در گفتار به قدرت دست یابد. محققانی مانند زیتون، وارنر، کاکائو و میروماچی در توسعه یک مدل نظری بین‌رشته‌ای دقیق پیرامون هیدروهمژمون نقش مهمی داشته‌اند (R. Farnum, 2013)(B. Farnum, 2014)(Zeitoun & Mirumachi, 2008, Zeitoun & Warner, 2006). از سوی دیگر، رودخانه‌های آبی به‌عنوان یکی از شکل‌های منابع طبیعی دارای شاخه‌های ورودی متعددی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی می‌باشند که نحوه استفاده در هر یک از این شاخه‌ها بر کل جریان و تمامی شاخه‌های خروجی تأثیرگذار است (قریشی و دیگران، ۲۰۱۹). به‌طورکلی هر شکل از منابع آبی یک سیستم پیچیده و یکپارچه متشکل از چهار زیرسیستم «طبیعی»، «انسانی - اجتماعی - اقتصادی»، «نهادی - سازمانی - حقوقی» و «سیاسی - امنیتی - هیدروپلیتیکی» می‌باشد (Mianabadi, 2016). لذا از دیدگاه ژئوپلیتیک نمی‌توان موضوع آب را از امنیت و سیاست جدا دانست (Iyob, 2010). به‌این‌ترتیب حکمرانی و مدیریت نامناسب منابع آب می‌تواند منجر به بحران‌های سیاسی و امنیتی اجتناب‌ناپذیری گردد (Sinaee, 2012).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که هیدروهمژمونی در مدیریت حوضه‌های آبریز یکی از پارامترهای اساسی در برنامه‌ریزی سیاست خارجی و داخلی کشورها به شمار می‌آید که با توجه به اهمیت کمبود آب در سطح جهانی می‌تواند یکی از عوامل افزایش بحران آب تلقی گردد (مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۵). این موضوع در ارتباط با رودخانه‌ها و حوضه‌های آبریز اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد بدین‌صورت که برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد که ۳۱۰ حوضه آبریز بین‌المللی و ۶۰۰ آبخوان مشترک فرامرزی روی کره زمین وجود دارد که بین چند کشور مشترک بوده و معیشت حدود ۴۲ درصد مردم کره زمین به آن‌ها وابسته است (UNEP, 2016).

یکی از کم‌آب‌ترین و کم‌بارش‌ترین مناطق جهان خاورمیانه می‌باشد و لذا ازجمله مسائل اساسی و مهمی که ثبات و امنیت کشورهای منطقه خاورمیانه را با تهدید مواجه می‌کند، کمبود آب است. در این منطقه میزان بارش در مقایسه با تبخیر و تعرق تفاوت زیادی دارد. میزان بارش در بیشتر کشورهای این حوزه کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر می‌باشد درحالی‌که میزان تعرق و تبخیر بیشتر از ۲۰۰۰ میلی‌متر است. این چالش موجب گشته تا کشورهای منطقه با معضل کم‌آبی مواجه باشند و نتوانند از پس نیازهای آبی خود برآیند (Zawahri, 2017). از سوی دیگر، قرار گرفتن منطقه خاورمیانه در کمربند خشک جهان، موجب شده است تا این منطقه علی‌رغم سکونت ۵ درصد از جمعیت جهان، تنها به ۱ درصد از آب‌های شیرین قابل استحصال دسترسی داشته باشد. با توجه به سکونت بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک،

تعارضات و اختلافاتی بین کشورهای حوضه این رودها جهت بهره‌برداری از آب وجود دارد (مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه تا سال ۲۰۵۰، میزان سرانه دسترسی به منابع آبی به نصف خواهد رسید، تبعات مهم و جدی برای سفره‌های آب زیرزمینی در این منطقه و همچنین بر نوع اقلیم و سامانه‌های هیدرولوژیک خواهد داشت. با ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی و الگوهای جمعیتی در طی دهه‌های آینده، میزان تقاضا جهت استحصال آب و تأمین آن جهت رفع نیازهای آبیاری و آلودگی‌های شهری و صنعتی افزایش خواهد یافت. در نتیجه‌ی تغییرات آب و هوایی، میزان الگوی بارندگی نیز تغییر خواهد کرد (Zawahri, 2017).

در این میان یکی از حوضه‌های آبی مهم و مورد اختلاف در خاورمیانه رودخانه اردن است. نکته مهم این موضوع وابستگی اسرائیل به این رودخانه است. به عقیده کارشناسان، آب یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف رژیم صهیونیستی بشمار می‌آید (رحیمی، ۲۰۰۹). مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که در حدود ۱۰۰ سال از شروع نزاع و درگیری‌ها بر سر مساله آب در مناطق اطراف رود اردن می‌گذرد. این منطقه شاهد برخی از حوادث خشونت‌آمیز در تاریخ درگیری‌های آبی بوده است، به صورتی که بحران امنیت آب در این منطقه یکی از شدیدترین موارد امنیتی در جهان می‌باشد (Zeitoun et al, 2013). در همین راستا در این مقاله تلاش شده است تا اقدامات اساسی هیدروژمونی رژیم صهیونیستی در حوضه آبریز رود اردن معرفی شده و پیامدهای آن بر جوامع محلی و همسایگان این رود مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

ادبیات نظری تحقیق

هیدروپلیتیک

به‌طور کلی، هیدروپلیتیک یا سیاست آب به سیاستی گفته می‌شود که توسعه انسانی در همه اشکال زندگی را منوط به دسترسی به منابع آبی و بهره‌گیری از آن می‌داند (Rai et al, 2017). از این رو پیوند بین مناسبات قدرت با منابع آب در مقیاس‌های فروملی تا کروی، اساس پژوهش‌های هیدروپلیتیک را تشکیل می‌دهد. هیدروپلیتیک در مقیاس جهانی با سیاست خارجی کشورها سروکار دارد (Jones, 2003). به عبارت دیگر، هیدروپلیتیک شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی می‌باشد که روابط مناسبات قدرت با فعل و انفعالات جوامع و واحدهای سیاسی-فضایی پیرامون بهره‌برداری از منابع آب شیرین از مقیاس محلی تا جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد (کاویانی راد، ۱۳۹۸). با عنایت به اینکه آب کالایی حیاتی و استراتژیک به حساب می‌آید و وجود آن برای دولت‌ها ضروری می‌باشد، فقدان آن بقا و حیات دولت‌ها و کشورها را با تهدیدی جدی مواجه خواهد ساخت. به همین جهت یکی از عرصه‌های اتخاذ راهبردهای قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، هیدروپلیتیک می‌باشد. به‌طوری‌که کشورها با برخورداری از منابع آبی و بهره‌برداری از آن در جهت گسترش

و توسعه برنامه‌ها و طرح‌های زیرساختی آب پایه، موجب رونق و پیشرفت زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی شده و همچنین با در اختیار داشتن منابع آبی بر پیشرفت و توسعه همسایگان و رقبا تأثیرگذار خواهند بود (فرد و شهیدی، ۲۰۱۸). از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد که بین مرزهای سیاسی و حوضه‌های آبریز در بسیاری مناطق جهان تطابق و هماهنگی وجود ندارد. به صورتی که به‌طور متوسط ۵۰ تا ۶۵ درصد مساحت قاره‌های جهان را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل داده و برآورد می‌شود که بیش از ۴۰ درصد مردم جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که حوضه آبریز آن بین دو یا چند کشور مشترک می‌باشد (Lazerwitz, 1993). بر اساس داده‌های موجود، با توجه به افزایش جمعیت و گسترش روزافزون شهرنشینی و به تبع آن صنعتی شدن و کوشش برای تأمین امنیت غذایی، میزان مصرف آب فزونی داشته است. با عنایت به مطالب فوق زمینه برای طرح مفهوم هیدروپلیتیک و بحث پیرامون آن و همچنین گسترش ابعاد روش‌شناسی و معرفت‌شناسی آن فراهم گشته است. بر این اساس تعاریف متعددی از هیدروپلیتیک توسط پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه ارائه شده است (مولایی و همکاران، ۲۰۲۱).

هیدروهمژمون گرایی

ازجمله واژگان جدیدی که به تازگی در اصطلاحات روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به چشم می‌خورد هیدروهمژمون می‌باشد. واژه همژمونی در زبان یونانی به معنی رهبری و سلطه‌گری می‌باشد که در حیطه نظریات روابط بین‌الملل طیف وسیعی از نظریه‌پردازان نظیر گیلپین، امانوئل والراشتاین، رابرت کوهن، جوزف نای، گرامش و بخصوص نظریه‌پردازان مکتب انتقادی از آن استفاده کرده اند. پیرامون مفهوم همژمونی دو دیدگاه کلی وجود دارد. بعضی آن را از نظر پارامترهایی چون قدرت اثرگذاری، مشروعیت و مقبولیت یک کشور در نظام بین‌الملل بر سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌دهند و عده‌ای دیگر مفهوم همژمونی را از دیدگاه معادلات قدرت و بررسی روابط کشورها با یکدیگر مورد توجه قرار داده اند. در این وضعیت رقابت میان بازیگران عرصه سیاست نامتوازن می‌باشد و وضعیتی به وجود می‌آید که یک کشور قدرتمند در درجه اول قرار می‌گیرد و در نتیجه بتواند راهبردها و خواسته‌های خود در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و اقتصادی را بر سایر کشورها تحمیل کند. با وجود برداشت‌هایی متفاوت از همژمونی، مهم‌ترین شاخصه در شناسایی آن ضرورت داشتن عقبه مادی و داشتن منابع لازم و کافی از قدرت می‌باشد. این موضوع بیشتر از هر مکتب دیگری در نظریات رئالیستی به چشم می‌خورد. به همین جهت همژمونی، نوعی از تسلط و کنترل می‌باشد که به ایجاد و پایداری نظام سلطه کمک می‌کند و متکی به جبر و اجماع می‌باشد (سرخیل، ۲۰۲۱). هیدروهمژمون مفهومی است برگرفته از ساختار هیدروپلیتیک، که به بررسی جایگاه و اهمیت آب در کسب

برتری یک بازیگر نسبت به سایر رقبا می‌پردازد. با عنایت به اینکه دولت‌ها و کشورهای بهره‌بردار از یک حوضه آبریز مشترک می‌توانند متعدد باشد، کشور دارای هیدروهمژمون می‌تواند مکانیزم و چگونگی بهره‌برداری از منابع آب مشترک را در برابر سایر بازیگران منتفع تعیین نماید. در این فرایند بین بهره‌برداری از منابع آبی و داشتن قدرت به‌عنوان عامل اساسی و بنیادین در معادلات بین‌الملل رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در نتیجه کشور همژمون گرا با تعیین قواعد و نحوه استفاده سایر بازیگران از منابع آبی مشترک، سلطه‌طلبی خود را اعمال می‌نماید (Zeitoun & Warner, 2006).

هیدروهمژمون گرایی و معادلات قدرت

هیدروهمژمون در ارتباط با حوضه‌های آبریز مشترک معنا پیدا می‌کند. مدیریت حوضه‌های آبریز یک فعالیت پیچیده است، به صورتی که می‌توان آن را یک بازی قدرت بین مصرف‌کنندگان آب در نظر گرفت که بر سر دسترسی و کنترل آب با هم رقابت می‌کنند، اما در عین حال باید برای زنده ماندن به شکلی باهم همکاری داشته باشند (Boelens & Hoogendam, 2002).

یکی از عناصر تعیین‌کننده و مهم در اجرای سیاست‌ها، مقوله قدرت می‌باشد که به صورت کلی به دو شکل قدرت سخت و نرم قابل تقسیم‌بندی است. همژمونی یکی از موفق‌ترین شکل‌های قدرت معنایی و نرم بشمار می‌آید به صورتی که از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر عقاید و ترجیحات، اثربخشی بسیار زیادی دارد (قریشی و دیگران، ۲۰۱۹). به‌طور کلی در یک حوضه آبریز مشترک، کشور دارای هیدروهمژمون کشوری می‌باشد که نحوه بهره‌برداری از منابع آب مشترک را کنترل می‌نماید (قریشی و دیگران، ۲۰۱۹). براساس نظر زیتون و وارنر، هیدروهمژمونی می‌تواند با سه استراتژی کلی شامل استراتژی تسخیر منابع^۱ (مکتب نئورئالیسم^۲ یا رئالیسم ساختاری^۳)، استراتژی همگرایی^۴ (مکتب نئولیبرالیسم^۵) و استراتژی محدودسازی استفاده از منابع^۶ (مکتب نئوگراسمشی^۷) قابل پیاده‌سازی باشد (Zeitoun & Warner, 2006). به‌طورکلی در استراتژی تسخیر منابع از سیطره که یکی از اشکال قدرت سخت و دارای توزیع قدرت نابرابر می‌باشد استفاده می‌شود. این در حالی است که استراتژی همگرایی با در نظر داشتن قدرت در قالب رهبری و از طریق سازمان‌های همکاری، نهادها و قدرت اقتصادی در جهت رسیدن به همژمونی قدم بر می‌دارد. به صورت مشابه استراتژی

1. Resource Capture

2. Neo- Realism Institutionalism

3. Structural Realism Institutionalism

4. Integration

5. Neo-Liberal Institutionalism

6. Containment

7. Neo-Gramscianism Institutionalism

محدودسازی استفاده از منابع نیز از طریق ایجاد رهبری و از طریق پیاده‌سازی قدرت هوشمند سعی در ایجاد همژمونی برتر دارد (قریشی و دیگران، ۲۰۱۹). امروزه در سرتاسر جهان، نمونه‌های زیادی از اقدامات ضدهیدروهمژمونی آب مانند جنبش‌های دهقانی در سیستم‌های آبیاری آند (Andes) و فرآیندهای توانمندسازی آن‌ها در جهت مبارزه برای مالکیت و حقوق آب یافت می‌شود (Boelens & Hoogendam, 2002). نمونه‌های دیگری از اقدامات ضدهمژمونی در جنبش‌های سدسازی بومی برزیل، اقدامات ضدهمژمونیک نیال و بوتان با توجه به همژمونی آبی هند، اقدامات ضد همژمونیک کشورهای قاره آفریقا با توجه به همژمونی رود نیل توسط مصر، اقدامات ضد همژمونی سوریه، ایران و عراق با توجه به هیدروهمژمونی ترکیه بر روی رود دجله و فرات و اقدامات ضدهمژمونی کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین با توجه به همژمونی رود اردن توسط اسرائیل مشاهده شده است. محققان هیدروهمژمونی بر این باورند که می‌توان با تأثیرگذاری بر قدرتمندان و تشویق آن‌ها به اصلاحات، به چالش کشیدن آن‌ها از طریق هموار کردن زمین‌بازی و افزایش نقش بازیکنان محروم تغییراتی را در هیدروهمژمون رقم زد (R. Farnum, 2013).

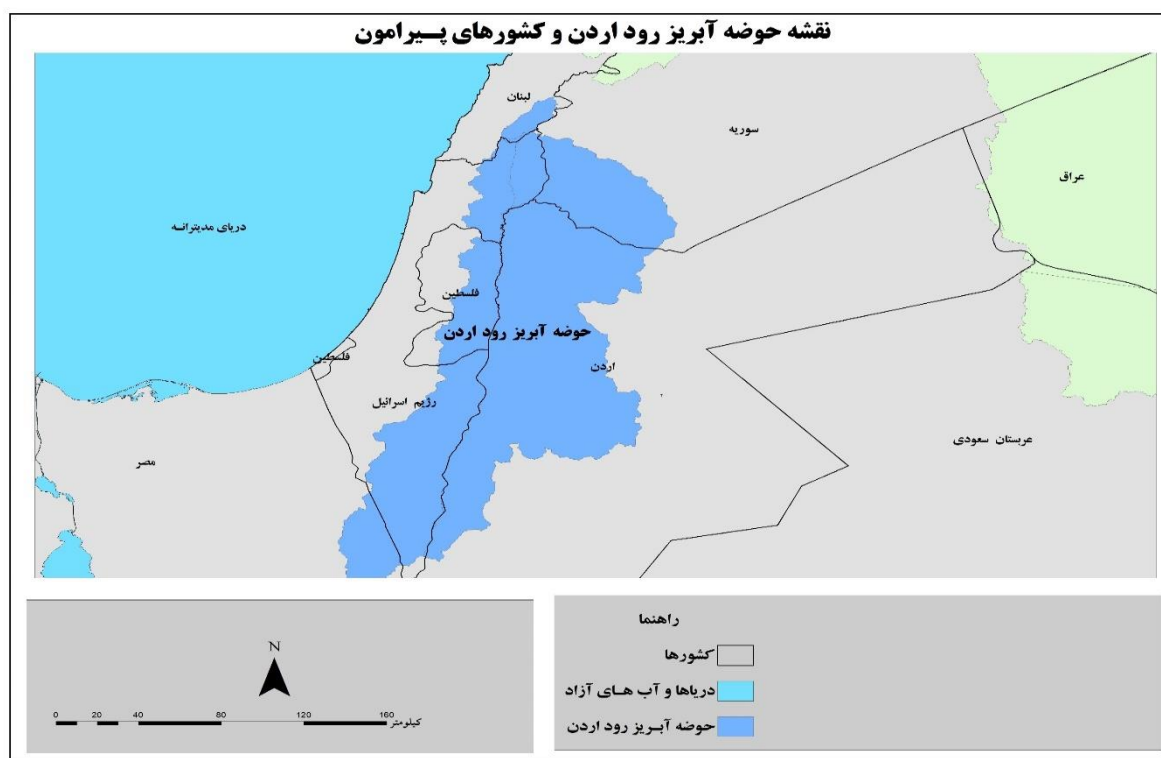
روش تحقیق

در این پژوهش، سعی بر آن است تا ویژگی‌های مهم جغرافیایی و هیدرولوژیک حوضه آبریز رود اردن معرفی شده و اقدامات صورت گرفته توسط اسرائیل در این منطقه باهدف ایجاد هیدروهمژمونی مورد بررسی قرار گرفته و پیامدهای آن بر جوامع محلی و کشورهای مستقر در این حوضه آبریز بررسی شود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از متون و منابع معتبر خارجی در حوزه جغرافیای سیاسی، هیدروپلیتیک، محیط‌زیست، مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل است. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نیز پس از جمع‌آوری، دسته‌بندی اطلاعات کسب‌شده از منابع به‌روز خارجی، با استفاده از شیوه تحلیل کیفی سعی شده که استدلال لازم برای اثبات موضوع پژوهش انجام شود.

محیط شناسی پژوهش

بررسی موقعیت جغرافیایی اسرائیل نشان می‌دهد که این رژیم در شرق دریای مدیترانه واقع شده است و از شمال با کشور لبنان، شمال شرقی با کشور سوریه، در شرق با اردن و در جنوب غربی با کشور مصر دارای مرز زمینی می‌باشد. مضافاً اسرائیل در قسمت شرقی سرزمین خود با کرانه باختری رود اردن و همچنین در جنوب غربی خود با نوار غزه همسایه است. در این بین، میزان مساحت سرزمین‌های رژیم صهیونیستی

به صورت دقیق مشخص نمی‌باشد، اما بر مبنای یکی از این تعاریف وسعت آن حدود ۲۲/۱۴۵ کیلومترمربع (رتبه ۱۵۲ در جهان) است (Samuelson, 2016). طبق آمار سازمان ملل در سال ۲۰۲۲، اسرائیل دارای جمعیت هشت میلیون و ۶۵۰ هزار نفر می‌باشد که از این بین ۹۳ درصد آن را جمعیت شهرنشین تشکیل داده است (DellaPergola, 2022). اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد می‌باشد، با این وجود طبق آماری در سال ۲۰۲۰، تعداد ۳۰ کشور جهان، رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند (موسوی و دیگران، ۲۰۲۰). سرزمین‌های اسرائیل با وجود مساحت کم، از تنوع جغرافیایی قابل توجهی برخوردارند (Skolnik & Berenbaum, 2007). به این صورت که در جنوب بیابانی و خشک و در شمال دارای آب و هوایی معتدل و کوهستانی با میانگین بارندگی ۱۱۲۰ میلی‌متر است. مهم ترین منابع آب شیرین در سرزمین‌های اشغالی، از طریق دریاچه جلیله یا طبریه که در نواحی شمالی است تأمین می‌شود. رود اردن تنها منبع تغذیه دریاچه جلیله می‌باشد و تأمین‌کننده ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین اسرائیل بشمار می‌رود (Seligman, 2008).



نقشه شماره ۱: نقشه حوضه رود اردن (ترسیم: نگارندگان)

رود اردن با طول تقریبی ۳۶۰ کیلومتر از کوه‌های جبل شرقی (آنتی لبنان) واقع در شرق لبنان و جنوب غربی سوریه سرچشمه گرفته و با دبی سالانه ۱/۳ میلیارد مترمکعب به دریاچه جلیله در شمال شرقی رژیم

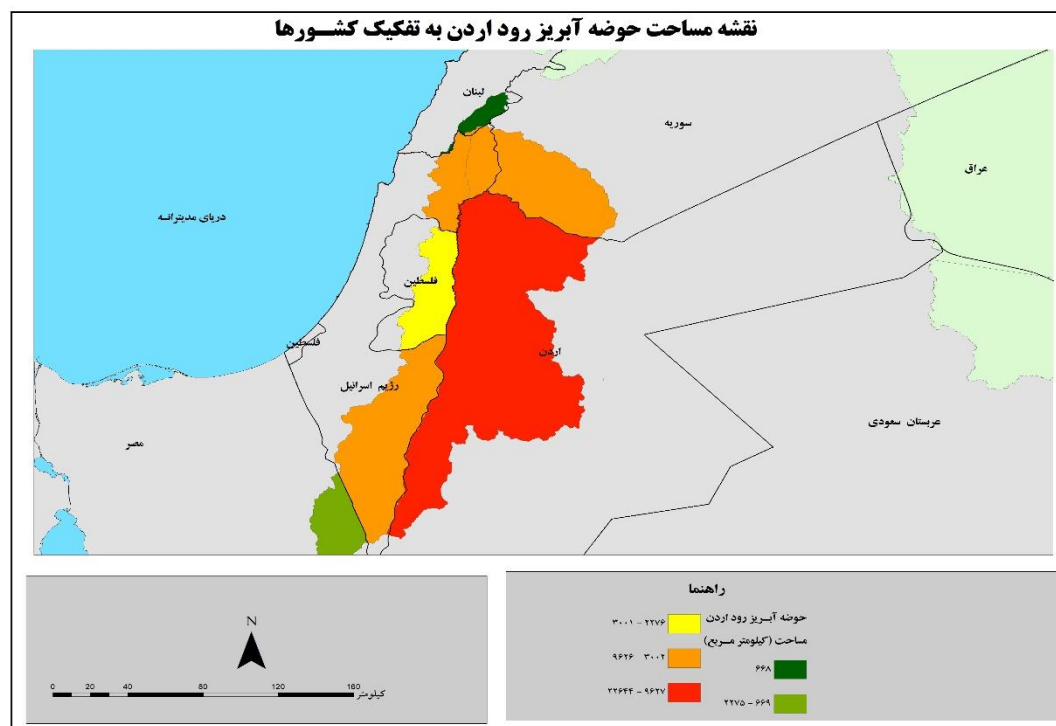
صهیونیستی می‌ریزد. از نظر تقسیمات سیاسی این رود مرز بین رژیم صهیونیستی و کرانه باختری با کشور اردن می‌باشد (Seligman, 2008). رود اردن از دو بخش شامل اردن بالا و اردن پایین تشکیل شده است. اردن بالا از رودهای حصبانی و باناس که از کشور لبنان و بلندی‌های جولان سرچشمه می‌گیرد و تا دریاچه جلیله را شامل می‌شود و اردن پایین نیز بین دریاچه جلیله و بحرالمت واقع شده است (Lowi, 1995). گستره حوضه آبریز رود اردن در هر یک از کشورهای اطراف در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: گستره حوضه آبریز رود اردن در کشورهای همسایه در سال ۲۰۱۸

کشور	درصد از حوضه آبریز	مساحت از حوضه آبریز (کیلومتر مربع)
اردن	۴۸/۱۳	۲۲۶۲۴
رژیم صهیونیستی	۲۱/۲۶	۹۶۲۶
سوریه	۱۱/۴۵	۶۷۹۱
کرانه باختری	۷/۴۸	۳۲۰۰
مصر	۶/۳۱	۲۲۲۵
بلندی‌های جولان	۳/۵۰	۱۵۰۰
لبنان	۱/۳۳	۶۶۸
مجموع	۱۰۰	۴۲۸۰۰

Source: transboundarywaters.science.oregonstate.edu.2021

بررسی مساحت حوضه آبریز رود اردن نشان می‌دهد که کم‌ترین مساحت حوضه آبریز رود اردن در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که کمترین مساحت حوضه آبریز در اختیار کشورهای لبنان با ۱.۳۳ و مصر با ۶.۳۱ است و بیشترین مساحت مربوط به اردن با ۴۸.۱۳ و اسرائیل با ۲۱.۲۶ درصد است.



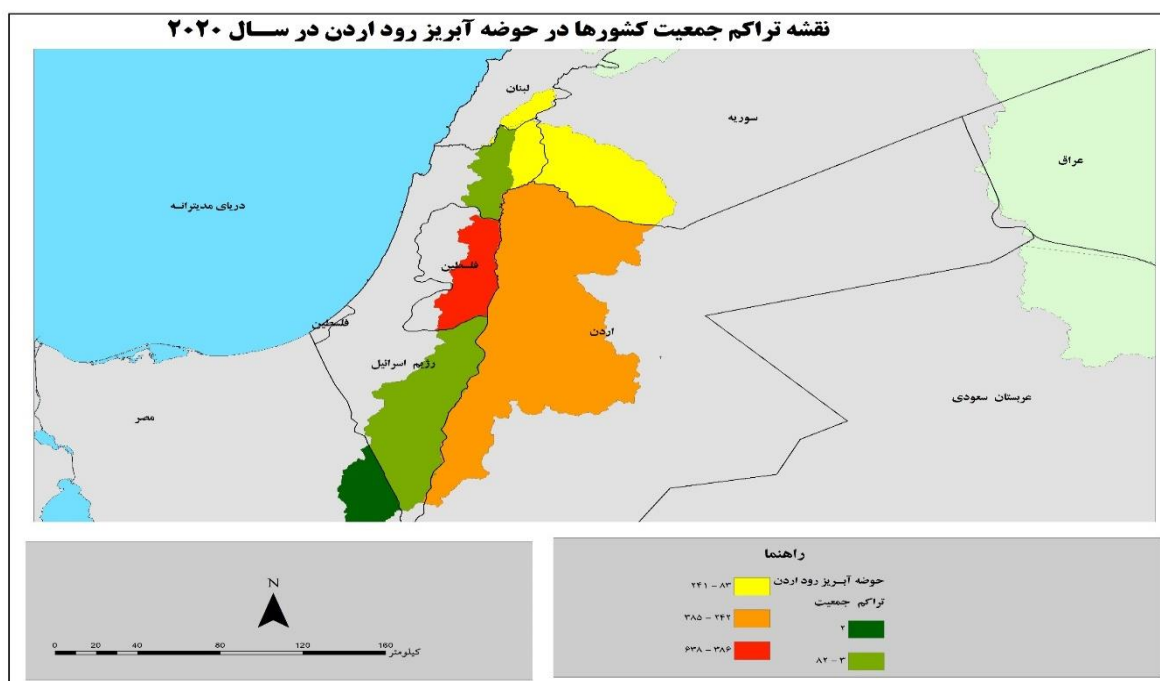
نقشه شماره ۲: مرزبندی و تقسیمات سیاسی حوضه آبریز رود اردن (ترسیم: نگارندگان)

برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ میانگین سرانه مصرف آب در کشورهای حوضه رود اردن در حدود ۵۳۵ مترمکعب در سال بوده است و این در حالی است که پیش بینی می‌شود این مقدار در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۲۸ مترمکعب کاهش یابد (هشی و حاجت، ۲۰۱۸). وضعیت حوضه آبریز رود اردن در شکل ۱ نمایش داده شده است.

بررسی پراکندگی جمعیت در اسرائیل نیز نشان‌دهنده همبستگی آن با منابع آب هست بدین‌صورت که صحرای نقب در جنوب با میانگین بارش ۲۵ میلی‌متر دارای جمعیتی اندک و پراکنده است که بیش از نیمی از سرزمین‌های اسرائیل را تشکیل داده است. به همین جهت بالای ۵۰ درصد از جمعیت این رژیم در دشت باریک مجاور نوار غزه و دریای مدیترانه زندگی می‌کنند. بر اساس داده‌های موجود در سال ۲۰۱۷، مجموع منابع آب تجدید پذیر رژیم صهیونیستی ۱/۷۸ میلیارد مترمکعب می‌باشد. همچنین طبق آمار سال ۲۰۱۸ در حدود ۲۴ درصد سرزمین‌های اسرائیل قابل‌کشت می‌باشند که تنها ۱۴ درصد آن جهت کشت استفاده می‌شود (CIA Factbook, 2021).

یافته‌های تحقیق

ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۸۰ ده نقطه از جهان را معرفی نمود که احتمال بروز جنگ در آن‌ها بر سر آب از سایر مناطق جهان بیشتر می‌باشد بیشتر این نقاط در خاورمیانه واقع شده است از جمله این موارد می‌توان به رود اردن، اروند، هیرمند و دجله و فرات اشاره کرد (Analytica, 2016). در این میان یکی از کانون‌های اصلی تنش بر سر آب در خاورمیانه رود اردن و هم‌مونی اسرائیل بر روی آن می‌باشد. به عبارت دیگر مدیریت و کنترل آب‌های منطقه غرب آسیا و کشورهای عربی توسط اسرائیل موجب ایجاد و تثبیت نقش و جایگاهی راهبردی بر آن می‌شود به صورتی که بتواند به این وسیله جهان عرب و اسلام را جهت داده و یا به مشکلات آن‌ها دامن بزند (مولایی و دیگران، ۲۰۲۱). باید به این مطالب تراکم جمعیتی بالای کشورهای حوضه آبریز رود اردن اضافه کرد که بر اساس آمار سال ۲۰۲۰ فلسطین با ۶۳۸ و اردن با ۳۸۵ نفر در هر کیلومتر مربع بالاترین تراکم را ثبت کرده‌اند و این در در حالی است که اسرائیل با ۸۲ نفر کمترین تراکم جمعیت را در این حوضه دارا می‌باشد. در ادامه در نقشه زیر نقشه تراکم کشورها در پیرامون حوضه رود اردن آمده است.



نقشه شماره ۳: نقشه تراکم جمعیت کشورها در پیرامون رود اردن (ترسیم: نگارندگان)

اهمیت این مسئله از آنجا دوچندان می‌شود که کمبود آب، تنش‌های سیاسی درون منطقه‌ای را باعث می‌شود و لذا مدیریت منابع آب برای رژیم صهیونیستی که با کمبود آب مواجه می‌باشد از دیدگاه امنیت ملی دارای اهمیت قابل توجهی نیز خواهد بود. بنابراین اسرائیل همواره تلاش نموده با سلطه بر منابع آبی رود اردن به

اهداف ژئوپلیتیکی و هیدروپلیتیکی خود دست پیدا کند. در ادامه ابتدا تلاش شده که هیدرهژمون رود اردن توسط اسرائیل و پیامدهای آن برای همسایگان مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی هیدروهژمون رژیم صهیونیستی بر روی رود اردن

در گزارش «استراتژی مربوط به ارتش رژیم صهیونیستی» که در سال ۱۹۵۸ به زبان انگلیسی منتشر شده است به صراحت بیان گردیده که استیلا بر سرزمین‌هایی که در طولانی مدت تامین کننده احتیاجات اساسی سرزمین‌های اشغالی می‌باشند، از اهداف بلندمدت این رژیم بشمار می‌رود (آقاعلیخانی، ۱۳۸۶). اساس و بنیان تاسیس اسرائیل مبتنی بر دکترین بن گوریون یعنی "شکوفای کردن بیابان" می‌باشد. در واقع اسرائیل در حدود نیم قرن پیش، با احداث کانالی به نام "آبراه ملی" مسیر رود اردن را به سمت شرق و جنوب تغییر داد و آن را به صحرای نقب منتقل کرد. این اقدام منجر به کاهش یک سوم از مساحت بحرالمتیت شد و رود اردن که از دیرباز محور آبادانی و شکوفایی منطقه بود را، بدل به یک جوی گل‌آلود کرد. این اقدام تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر کشورهای پیرامون حوضه رود اردن بخصوص فلسطین داشته است. بومیان فلسطینی، رژیم صهیونیستی را متهم می‌کنند که این رژیم با کنترل درآوردن منابع آبی در اختیار خود، از آن به عنوان حربه‌ای جهت سرکوب هرچه بیشتر فلسطینیان استفاده می‌کند. به گزارش سازمان آب فلسطین، سرانه مصرف آب رژیم صهیونیستی هفت برابر فلسطینی‌ها می‌باشد. نکته‌ای که می‌تواند باعث ایجاد جرقه‌ای جهت انتفاضه‌ای تازه بشود (انجمن علمی سامانه‌های سطوح آبگیر باران ایران، ۱۴۰۱).

در سال ۲۰۱۲ گزارشی درباره «دیدگاه اسرائیل در مورد مناقشه آبی اسرائیل و فلسطین» توسط هیم گویرتزمان^۱ از مرکز مطالعات استراتژیک بگین سادات^۲ دانشگاه بارایلان^۳ در اسرائیل که یک نهاد محافظه بشمار می‌رود منتشر شده است. در این گزارش، گویرتزمان آب در کرانه باختری اشغالی را به حق تحت کنترل اسرائیل می‌داند و پیوسته کرانه باختری را «پهوده و سامره» می‌نامد. گویرتزمان استدلال می‌کند که سفره‌های زیرزمینی کوهستانی از نظر تاریخی در اختیار اسرائیل است، و بنابراین این سرزمین‌ها اشغالی نیست، و این گزارش هشدار می‌دهد که فلسطینی‌ها نباید از آبخوان غربی که به طور کامل توسط اسرائیل استفاده می‌شود، قبل از بهره‌برداری از آبخوان شرقی (که حجم تولید کمتری دارد) استفاده کنند. گویرتزمان مدعی است که اسرائیل به تعهدات خود در توافقنامه موقت اسلو در سال ۱۹۹۵ پایبند است و اسرائیل را از هر گونه مسئولیتی برای ایجاد توزیع نابرابر آب دور می‌داند. گویرتزمان انکار می‌کند که فلسطینی‌ها از کمبود

1 -Haim Gvirtzman

2 -Begin-Sadat

3 -Bar-Ilan

آب رنج می برند، زیرا اسرائیل تضمین کرده است که همه شهرها و روستاهای فلسطینی توسط مدیریت آب این رژیم به هم متصل شده اند. در عوض، این گزارش منبع اصلی مشکل را به خود مقامات فلسطینی، یعنی امتناع آن‌ها از ساختن تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و سوء مدیریت آب نسبت می‌دهد. در نهایت، این گزارش ادعا می‌کند که هیچ تفاوتی در مصرف سرانه آب طبیعی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها وجود ندارد (Gvirtzman, 2012). این در حالی است که بررسی‌های تروتیر و سلبی (Selby و Trottier)، گزارش‌های عفو بین‌الملل و سازمان ملل (Selby, 2013)(Trottier, 1999)(OCHA, 2012)(River, n.d.) و همچنین سازمان‌های غیردولتی اسرائیلی و بین‌المللی (Wessels, 2015) کاملاً با این ارزیابی‌ها مخالف هستند. در حال حاضر در دسترس بودن آب برای فلسطینی‌ها بسیار کمتر از آنچه در سال ۱۹۹۵ پیش‌بینی شده بود، می‌باشد. به گفته سازمان غیردولتی اسرائیلی بی‌سَلَم (B'tselem)، در سال ۲۰۱۴ فلسطینی‌ها تنها به ۷۵ درصد از ۲۰۰ میلیون متر مکعب آبی که قرار بود به صورت سالانه تا سال ۲۰۰ دریافت کنند دسترسی داشتند. در نهایت، براساس نمونه‌های بسیار، هیدروژئومونی روزانه استعمار اسرائیل در سطح محلی و نسبت به کشورهای پیرامونی قابل مشاهده می‌باشد (Wessels, 2015). در این میان هیدروژئومونی اسرائیل در ابعادی نظیر کنترل جریان سطحی در بلندی‌های جولان، کنترل دریاچه‌های اصلی در حوضه رودخانه، احداث کانال بحر المیت و احداث چاه‌های عمیق مشاهده می‌گردد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کنترل جریان سطحی در بلندی‌های جولان

بلندی‌های جولان اشغالی سوریه یک فلات آتشفشانی سنگی سرسبز است که بین اسرائیل و سوریه قرار دارد. این منطقه یک فلات حاصلخیز و سرشار از منابع آبی است که شامل سرچشمه‌های رودخانه اردن می‌شود. چشمه‌های بانیا (Banias)، چشمه‌های حسبانی (Hasbani) و رودخانه دن (Dan) که سالانه ۸۰۰ میلیون مترمکعب از دریاچه طبریه (Tiberias) و همچنین روان آب‌های سطحی را تغذیه می‌کنند در بلندی‌های جولان قرار دارند (Wessels, 2015). این شهر به دلیل زیبایی طبیعی، جریان‌های آب فراوان و منابع آب‌وهوای معتدل، درختان سیب و کوه‌ها شهرت دارد و مقصد تفریحی مورد علاقه اسرائیلی‌ها و گردشگرانی است که از اسرائیل بازدید می‌کنند. سازمان ملل از این منطقه به عنوان بلندی‌های جولان اشغالی سوریه یاد می‌کند که در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل توسط اسرائیل تصرف شده است (United Nations, 2006). علت اصلی که منجر به این جنگ شد "طرح انحراف آب اصلی" اتحادیه عرب بود، طرحی برای منحرف کردن دو منبع از سه منبع رودخانه اردن قبل از رسیدن به دریای جلیله برای خشی کردن

نقشه‌های اسرائیل در جهت انتقال آب ملی که در سال ۱۹۶۴ اجرا گردید. برای جلوگیری از این انحراف، اسرائیل در ماه‌های منتهی به جنگ اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ حملات هوایی را در داخل خاک سوریه آغاز کرد و بلندی‌های جولان را به تصرف خود درآورد (Molony et al, 2009).

از آن زمان اسرائیل کنترل نظامی بر این منطقه را در دست گرفته است. سازمان ملل متحد این دستاوردهای ارضی را محکوم و قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت را صادر کرد که در آن بر غیرقابل قبول بودن تصاحب سرزمین‌ها از طریق جنگ تاکید و تصریح کرد که صلح عادلانه و پایدار در این منطقه مستلزم "خروج نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده در درگیری اخیر" است (Lynk, 2007). به گفته شورای حقوق بشر سازمان ملل، اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر، به‌طور مداوم قطعنامه‌های سازمان ملل را که بر غیرقانونی بودن اشغال، نقض معاهدات سازمان ملل و به خطر انداختن صلح و امنیت بین‌المللی تاکید می‌کند، نادیده گرفته است (United Nations, 2006).

در سال ۱۹۸۲، اسرائیل این منطقه را ضمیمه خود اعلام کرد، علیرغم اینکه شورای امنیت سازمان ملل این اقدام را غیرقانونی اعلام کرد و هیچ کشوری این الحاق را به رسمیت نشناخت. قانونگذاران اسرائیلی این موضع را که بلندی‌های جولان سرزمین‌های اشغالی هستند رد کردند و الحاق آن را با بیان اینکه این سرزمین متعلق به سرزمین تاریخی اسرائیل است، توجیه کردند (Inbar, 2011). در سال ۲۰۰۹، ۱۷۶۰۰ شهرک‌نشین یهودی اسرائیلی و ۲۳۶۰۰ ساکن غیریهودی در بلندی‌های جولان زندگی می‌کردند. تا سال ۲۰۱۰، ۴۱ شهرک و سایت کاربری اراضی اسرائیلی وجود داشت که از منابع آبی در بلندی‌های جولان اشغالی بهره‌برداری می‌کردند (Wessels, 2015). مردم سوری جولان تا امروز در دادگاه‌ها به مقاومت در برابر اشغالگری و هیدرهژمونی اسرائیل ادامه می‌دهند و از پذیرش تابعیت اسرائیل امتناع می‌ورزند. (Wessels, 2015).

اشغال بلندی‌های جولان توسط اسرائیل و تهاجم اسرائیل به لبنان باعث شد اسرائیل تقریباً کنترل کامل جریان رود اردن را در اختیار داشته باشد و منابع آب شیرین خود را تقریباً ۵۰ درصد افزایش دهد، به‌ویژه زمانی که آن‌ها رودخانه‌های حسبانی و وازانی (Wazzani) را تحت سلطه امنیتی خود قرار دادند (Hewedy, 1989). اسرائیل همچنین در جریان تهاجم سال ۱۹۸۲ به جنوب لبنان، تصرف آب لیتانی (Litani) و هدایت آن به داخل اسرائیل را هدف قرار دادند (Cooley, 1984). بنابراین، این مناطق دارایی مهمی برای توسعه دولت اسرائیل بوده است تا به منابع استراتژیک آب دسترسی پیدا کند و منجر به هیدرهژمونی بر روی رود اردن گردند. اگرچه اسرائیل در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد، حفظ کنترل بلندی‌های جولان همچنان به امنیت آب و رشد اقتصادی اسرائیل کمک خواهد کرد (Kipnis, 2013).

نفوذ اسرائیل در بلندی‌های جولان را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم نمود. در دوره اول و در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، اسرائیل در منطقه دارای هژمونی نبوده است و هر چند از نظر قدرت و پتانسیل اکتشاف منابع آبی^۱ جدید دارای رتبه برابری با سوریه بوده است اما میزان همجواری آن با آب^۲ از دو کشور سوریه و لبنان کمتر بوده است. در بازه زمانی ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰، این رژیم با اشغال این منطقه دارای بیشترین رتبه در همجواری با آب بوده است و رتبه هر دو کشور سوریه و لبنان در سیطره و پتانسیل اکتشاف منابع آبی کاهش قابل توجهی داشته است. لازم به ذکر است، در این دوره رژیم صهیونیستی از هژمونی سخت که ناشی از اشغال فیزیکی منطقه بوده است بهره گرفته است. در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲، استراتژی هژمونی این رژیم به نوع قدرت نرم و از راه دور تغییر یافته است. هر چند این امر باعث گردید که میزان همجواری با آب کشور لبنان افزایش یافته و رتبه اسرائیل در این شاخص کاهش یابد، اما همچنان بیشترین پتانسیل اکتشاف منابع آبی و بهره‌برداری از منابع آبی متعلق به این رژیم می‌باشد. می‌توان گفت که از سال ۱۹۶۷ و پس از جنگ شش روزه اسرائیل با اعراب، اسرائیل به هژمونی در رودخانه اردن اقدام کرده است. با این تفاوت که هژمونی اعمال‌شده تا سال ۲۰۰۰ هژمونی سخت بوده است و هژمونی اعمال‌شده از سال ۲۰۰۰ تا دوران کنونی هژمونی نرم بوده است.

پیامد اعمال هژمونی و کنترل جریان‌های سطحی برای لبنان و سوریه از بین رفتن جوامع، خانه‌ها و زیرساخت‌ها و یا مهاجرت مردم بودمی بوده است. مطالعات حال حاضر نشان می‌دهد که در مجموع تعداد ۵ روستا از جوامع لبنان و سوریه در منطقه بلندی‌های جولان وجود دارد. قبل از تصرف این منطقه توسط اسرائیل، تعداد ۱۲۸۰۰۰ نفر از مردم سوریه در قالب ۲۲۳ شهرک در این منطقه ساکن بودند و پس از اشغال منطقه این تعداد به ۶۳۹۶ نفر در ۸ شهرک کاهش یافته است (Murphy & Gannon, 2008). بسیاری از خانه‌ها و زیرساخت‌ها ویران شدند و اسرائیل بیش از ۹۰ درصد از خاک بلندی‌های جولان (معادل ۱۰۵۰ کیلومتر مربع) را مصادره کرد. مقامات اسرائیل همچنین ۳۰ درصد از زمین‌های متعلق به مردم در پنج روستای باقی‌مانده (۳۰ کیلومتر مربع) را مصادره کردند (Murphy & Gannon, 2008). امروز تنها بقایای روستاهای ویران‌شده در بلندی‌های جولان وجود دارد. وزارت گردشگری اسرائیل وجود این روستاهای ویران‌شده را که در نشریات و نقشه‌ها اطلاعات آن‌ها یافت نمی‌شود، تا حد زیادی نادیده می‌گیرد. در برخی موارد، شهرک‌های اسرائیلی روی یک روستای ویران‌شده سوریه ساخته شده‌اند مانند پیست اسکی "نو آتیو"^۳ (Wessels, 2015).

1 -exploitation potential

2 -riparian position

3- Neve Ativ

کنترل دریاچه‌های اصلی در حوضه رودخانه

دومین بعد از هیدروژمونی اسرائیل کنترل دریاچه‌های اصلی حوضه رود اردن یعنی دریاچه جلیله و دریاچه رام می‌باشد. اگرچه تلاش‌های رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۲۰ و پس‌از آن برای کنترل رودخانه لیتانی به منظور تأمین منابع آبی برای توسعه اقتصادی محقق نشد، اسرائیل کنترل امنیتی دریاچه جلیله، دریاچه رام^۱ و بسیاری از منابع آبی منطقه مانند بلندی‌های جولان سوریه را در اختیار خود گرفته است که این مورد هیدروژمونی اسرائیل را در عمل تشکیل می‌دهد. دریاچه رام تنها مخزن طبیعی آب آزاد در بلندی‌های جولان است که اکثریت آب را برای ساکنان اسرائیلی در جولان تأمین می‌کند. به گفته ساکنان سوریه، این دریاچه ۱۰ روز پس از توافق آتش‌بس در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل مصادره شد. نیروهای نظامی اسرائیل دریاچه رام را برای تأمین آب آبیاری شهرک نشینان اسرائیلی تصرف کرده بودند و تا سال ۱۹۷۷ به کشاورزان سوریه اجازه دسترسی به این منبع آبی داده نشد. در حال حاضر این دریاچه محصور شده و آب آن توسط شیرهایی که اختیار آن با رژیم صهیونیستی است کنترل می‌شود. در شکل زیر تصویر مربوط به این دریاچه و شیرهای نصب شده در اطراف آن آورده شده است.



شکل ۴: بهره‌برداری و ایجاد تأسیسات حفاظت شده در حریم دریاچه رام توسط اسرائیل (Wessels, 2015).

1 - Ram

احداث کانال بحر المیت

سومین بعد هیدروهمون اسرائیل احداث کانال بحر المیت است که اگرچه برای اسرائیل مزایایی از قبیل صدور انرژی، و گردشگری و تجارت داشته است اما برای کرانه باختری و نوار غزه منجر به شورتر شدن سفره‌های زیرزمینی شده که مردم این منطقه را برای تامین آب آشامیدنی و کشاورزی با مشکل مواجه ساخته است. در واقع باید گفت که، دریاچه بحر المیت بیش از ۴۰۰ متر پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. انحراف برخی شاخه‌های رود اردن در سال‌های اخیر و همچنین احداث سدهای متعدد بر شاخه‌های فرعی این رود موجب گردیده است تا میزان آب ورودی به دریاچه بحر المیت به صورت چشمگیری کاهش یابد. در نتیجه علاوه بر کاهش سطح دریاچه، میزان غلظت نمک در آن نیز از ۲۶ درصد در سال ۱۹۶۰ به حدود ۳۳ درصد در حال حاضر رسیده است (Seligman, 2008).

با توجه به آنکه یکی از بنیان‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی، صدور انرژی و فناوری به سایر کشورهای جهان می‌باشد (Evron, 2017)، در سال ۱۹۵۰ یک مهندس آمریکایی طرحی را ارائه داد که به موجب آن آب از دریای سرخ و دریای مدیترانه توسط یک کانال به دریاچه بحر المیت انتقال یابد. این امر با توجه به اختلاف ارتفاع دریاچه و دریا‌های اطراف از نظر فنی قابلیت پیاده‌سازی داشته و لذا در سال ۱۹۷۷ مهندسان رژیم صهیونیستی مسیر کانال را طراحی نمودند (مختاری هشی و قادری حاجت، ۲۰۰۸). اجرای این طرح موجب می‌گردد تا با استفاده از نیروگاه‌های برق آبی، در حدود ۱۰۰ مگاوات برق به واسطه جریان آب در کانال ایجاد شود که علاوه بر امکان صادرات برق به همسایگان، رژیم صهیونیستی می‌تواند از برق تولیدی در سیستم‌های آب‌شیرین‌کن استفاده نموده و آب دریای مدیترانه را برای شرب و کشاورزی استفاده نماید. در نتیجه تا ۱۰۰ درصد کمبود آب اردن و ۴۰ درصد کمبود آب رژیم صهیونیستی به این صورت قابل تامین خواهد بود (مختاری هشی و قادری حاجت، ۲۰۰۸).

احداث کانال بحرال‌میت هرچند مزایایی از نظر صدور انرژی، جلوگیری از شورتر شدن دریاچه بحرال‌میت، توریسم و غیره به همراه دارد، اما ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل تراوش آب شور از کانال به سفره‌های زیرزمینی، آب چاه‌های منطقه به‌ویژه در کرانه باختری و نوار غزه شورتر می‌گردد که می‌تواند بر شرب و کشاورزی این مناطق تأثیرگذار باشد. همچنین به دلیل قطع ارتباط بیولوژیک اراضی اطراف کانال با یکدیگر، تأثیرات منفی اکولوژیکی بر محیط‌زیست منطقه وارد می‌گردد که نه تنها رژیم صهیونیستی، بلکه تمامی همسایگان این کانال را تحت تأثیر قرار داده است (Sharp, 2008).

احداث چاه‌های عمیق

چهارمین بعد هیدرهژمون رود اردن توسط اسرائیل احداث چاه‌های عمیق بر روی حوضه رودخانه است که محدودیت‌های برای فلسطین در زمینه تامین آب شرب فراهم کرده است. باید گفت که، یکی از مهم‌ترین منابع آبی رژیم صهیونیستی، آب‌های زیرزمینی (تغذیه‌شده توسط سفره‌های آبی ساحلی و کوه‌ها) می‌باشد که در این بین سفره‌های آبی زیرزمینی مهم‌ترین ذخیره آب رژیم صهیونیستی بشمار می‌آیند. یکی از اقداماتی که رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر برای جبران کمبود آب شیرین انجام داده است، احداث چاه‌های عمیق در منطقه می‌باشد که براساس آمارها عمق این چاه‌ها حداقل ۶ برابر بیشتر از چاه‌های حفرشده در اراضی فلسطینیان می‌باشد. این مساله و محدودیت‌هایی که رژیم صهیونیستی برای حفر چاه برای فلسطینیان وضع کرده است موجب گردیده تا چاه‌های فلسطینیان در حداقل ۵ ماه از سال کاملاً خشک باشند و مشکل تامین آب شرب در این منطقه تشدید گردید. همچنین در شهرک‌هایی مانند نو آتیو، یکی از اولین اقدامات هیدروژمونیک شهرک‌نشینان اسرائیلی مصادره چشمه‌ها و چاه‌های آب محلی بوده است. در حال حاضر مشاهده می‌شود که در نو آتیو و دیگر شهرک‌ها، چشمه‌هایی که در اصل متعلق به ساکنان سوری است توسط سازمان آب اسرائیل مورد بهره‌برداری و حفاظت قرار گرفته است. باوجوداینکه حدود دو سوم منابع آب در رژیم صهیونیستی از آب‌های زیرزمینی توسط چشمه‌ها و چاه‌ها تامین می‌شود، این منابع کفاف نیازهای آبی را نمی‌دهند، به همین جهت رژیم صهیونیستی ناچار به استفاده از منابع آبی جایگزین مانند شیرین‌سازی آب دریا و آب‌های پشت سدها و همچنین تصفیه فاضلاب جهت مصارف کشاورزی شده است (Melloul & Collin, 2003).

هنگامی که سوری‌ها در بلندی‌های جولان، شروع به حفر چاه‌های خود و ساختن مخازن آب باران کردند، ارتش اسرائیل این زیرساخت‌ها را تخریب کرد و جریمه‌هایی را اعمال کرد. در سال ۱۹۷۷، سوری‌ها شروع به دریافت آب آبیاری از این دریاچه کردند که در حال حاضر دسترسی سالانه به ۷ میلیارد متر مکعب آب از این دریاچه دارند. سالانه چهار میلیارد متر مکعب به شهرک‌نشینان اسرائیلی با قیمت ۱/۷ شیکل (Shekel) در هر متر مکعب و ۳ میلیارد متر مکعب به کشاورزان سوری به قیمت ۳ شیکل در هر متر مکعب داده می‌شود. در حال حاضر، ارتش اسرائیل ۴۵ مترمکعب آب در هر دونم (dunam) به کشاورزان سوری می‌دهد که تقریباً ۳۰ درصد از نیاز آبیاری آن‌ها است، در حالی که شهرک‌نشینان اسرائیلی ۸۰۰ متر مکعب در هر دونم آب دریافت می‌کنند. واضح است که استراتژی روشنی برای دور نگه داشتن کشاورزان سوری از بازارها وجود دارد و مقامات اسرائیلی مشتاق نیستند آب بیشتری به کشاورزان سوری بدهند. هزینه‌های سرمایه‌گذاری، به عنوان مثال، برای یخچال‌های سیب، برای کشاورزان سوری دو برابر بیشتر از شهرک‌نشینان اسرائیلی است که یارانه‌هایی دریافت می‌کنند تا ۵۰ درصد هزینه‌ها را پوشش دهد. اخیراً کشاورزان سوری

برای مطالبه عادلانه پرداخت‌ها و توزیع برابر آب به دادگاه رفتند، اما حکم منفی بود و به سوری‌ها پیشنهاد شد که قرارداد جدیدی بین سازمان آب اسرائیل (Mekorot) و تعاونی‌های کشاورزان تمدید کنند و زمانی که از دادگاه‌های اسرائیل در مورد تفاوت بین سوری‌ها و شهرک نشینان اسرائیلی سوال پرسیده شد، هیچ توضیحی وجود نداشت و پاسخ آن‌ها این بود که یا پول می‌دهند یا آب نمی‌گیرند. امروز، اسرائیل دو سوم بلندی‌های جولان را کنترل می‌کند، از جمله تمامی دسترسی‌ها به دریاچه رام و دریاچه جلیله، که ۳۰ درصد از منابع آب شیرین اسرائیل را تشکیل می‌دهند (Dajani, 2011).

بحث و تحلیل

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کرانه باختری رود اردن و اراضی اشغالی فلسطین یک نمونه از هیدروهمژمونی را در عمل نشان می‌دهد. در این مناطق، جدای از اشغال نظامی اسرائیل، تهدید دائمی خشونت شهرک نشینان، مصادره زمین برای شهرک‌سازی اسرائیل، مشکلات شدید زیست محیطی، اجتماعی و بهداشت عمومی از بحران‌های اصلی مردم محلی ناشی از هیدروهمژمونی اسرائیل می‌باشند. بیشتر این مسائل زیست محیطی مربوط به آلودگی چشمه‌های فلسطینی است، زیرا فاضلاب تصفیه نشده از شهرک‌های استعماری اسرائیل وارد سیستم‌های سنتی آب و آبیاری فلسطینی‌ها می‌گردد. از سوی دیگر، معیشت ساکنان فلسطینی در روستاهای بیت لحم غربی مستقیماً تحت تأثیر اعمال هیدروهمژمونی اسرائیل قرار دارد. تغییر کاربری زمین، تغییرات آب و هوایی و خشکسالی چشمه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و همه این ساکنان به دلیل نشت فاضلاب به آبخوان و سرریز شدن فاضلاب از شهرک‌های اسرائیلی شرایط نامناسبی برای آب شرب و آبیاری دارند. به واسطه محدودیت‌های نیروهای اشغالگر اسرائیل برای تحرک روستاییان فلسطینی در این منطقه، تولیدات کشاورزی به طور فزاینده‌ای به حاشیه رانده شده است. اکثر ساکنان از شغل‌های دیگر مانند گردشگری و کارهای ساختمانی درآمد دارند که نیاز به برقراری رابطه کاری با اسرائیلی‌ها دارد. ضد همژمونی در این منطقه در قالب مقاومت بدون خشونت توسط فعالان محیط زیست، کشاورزان فلسطینی و روستاییان اسرائیلی در آن سوی خط سبز وجود دارد. برخی روستاهای این منطقه بخشی از "پروژه همسایگان خوب آب"^۱ هستند که توسط سازمان غیردولتی «دوستان زمین - خاورمیانه»^۲ اجرا شده است (Sagive et al., 2012). این پروژه سعی بر آن داشته است تا با تعریف منافع مشترک از طریق معرفی چالش‌ها و خطرات محیط زیستی بتواند راه حلی را ارائه دهد که طرفین مساله در جهت جلوگیری از ضررهای بعدی تمایل به مشارکت در اجرای آن داشته باشند. در چارچوب این پروژه، برخی روستاها با

1- Good Water Neighbors Project

2 -FoEME

موفقیت پرونده قضایی را برای توقف ساخت دیوار جدایی اسرائیل (جدایی کشاورزان فلسطینی از مزارع) آغاز کردند که موجب می‌شود تا میراث طبیعی منطقه بیشتر تخریب‌شده و به شدت به محیط‌زیست آسیب برسد. سرانجام پس از سال‌ها جلسات دادگاه، این پرونده به ثمر نشست و از ژانویه ۲۰۰۹، ساخت دیوار جدایی اسرائیل متوقف شد. در نتیجه روستا با دیوار محصور نشده‌اند. اما، اداره مدنی و مقامات نظامی اسرائیل به صدور دستورات مصادره زمین ادامه داده‌اند و به سرعت به توسعه شهرک‌ها ادامه داده‌اند. علاوه بر این، مقامات اسرائیلی همچنین در حال برنامه‌ریزی برای ساخت دیوار جدایی اسرائیل برخی روستاهای دیگر هستند که کشاورزان فلسطینی را از مزارع خود جدا می‌کند. در صورت ساخت دیوار، سیستم‌های آبی سنتی و محیط‌زیست منطقه به شدت به خطر می‌افتد. این اتفاق می‌تواند برای امنیت آب منطقه فاجعه‌بار باشد زیرا وجود گیاهان طبیعی به حفظ تعادل سطح آب و کیفیت آب زیرزمینی کمک می‌کند. علاوه بر این، یک دیوار می‌تواند جریان طبیعی آب سیلاب را از مسیر زهکشی معمول خود مسدود کند که منجر به سیل، فرسایش خاک و تخریب زیستگاه می‌شود. علاوه بر این، می‌تواند اثرات بسیار نامطلوبی بر ساکنان منطقه داشته باشد مانند احساس انزوا، احساس ناتوانی تحمیلی و غیره

(I Dababsa & Sallaq, 2020).

در سال ۲۰۰۷، ساکنان روستای باتیر^۱ شکایتی را به دادگاه عالی اسرائیل ارائه کردند و خواستار تغییر مسیر دیوار شدند. در آگوست ۲۰۱۲، سازمان طبیعت و پارک‌های اسرائیل گزارشی را منتشر کرد که ساخت دیوار جدایی در باتیر را به دلیل خطری که برای یکپارچگی اکولوژیکی و هیدرولوژیکی منطقه ایجاد می‌کند محکوم کرد. به‌طور کلی، دادگاه عالی اسرائیل معتقد است که دیوار یک نیاز امنیتی مشروع برای اسرائیل است، علیرغم اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری این دیوار را بر اساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی تشخیص داده است. وجود چارچوب‌های حقوقی متعدد در یک منطقه جغرافیایی مانند مناطق بیت لحم غربی را «کثرت‌گرایی قانونی» می‌نامند. در این شرایط، برای یک مکان، چارچوب‌های قانونی اسرائیل، تشکیلات خودگردان فلسطین و همچنین قوانین بین‌المللی به طور هم‌زمان اعمال می‌شود (Sagive et al, 2012).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مناطق تحت اشغال راه‌هایی برای استفاده از اقدامات قانونی برای مقابله با اقدامات هیدروژئومونیک اسرائیل بر اساس دلایل زیست محیطی یافته‌اند. به‌ویژه در کرانه باختری رود اردن، اقدامات قانونی با استفاده از قوانین زیست محیطی که توسط مقامات اسرائیلی اعمال می‌شود، با موفقیت متوقف‌شده است، به عنوان مثال توقف ساخت دیوار امنیتی در اطراف بسیاری از روستاها. اما اینکه تا چه حد جمعیت محلی می‌تواند بر سطح بالاتر تصمیم‌گیری تاثیر بگذارد هنوز یک سوال اصلی است. خلأهای موجود در

1 -Battir

قوانین اسرائیل و اعمال قوانین اسرائیل به جای قوانین بین‌المللی، در مناطق مختلف اشغالی، به مردم محلی این امکان را داده است که در برابر انواع خاصی از شیوه‌های استعماری، مقاومت غیر خشونت‌آمیز داشته باشند، اما بازیگران قدرت بیش از حد در صحنه حضور دارند، به‌طوری‌که راه حل پایدار برای منطقه آسیب‌دیده در نظر گرفته نمی‌شود زیرا اکثر اقدامات انجام‌شده منجر به پایان اشغال نظامی و هیدروهمومون اسرائیل نخواهد شد.

همچنین بررسی‌ها نشان دهنده شکلی از مقاومت مردمی غیر خشونت‌آمیز در برابر هیدروهمومونی و اشغال نظامی اسرائیل می‌باشد. این مقاومت‌ها شامل اعتصابات منظم، تظاهرات هفتگی، تورهای سازماندهی‌شده برای بازدیدکنندگان یا امتناع از شهروندی اسرائیل در مورد بلندی‌های جولان است. این مقاومت غیر خشونت‌آمیز توسط شبکه جهانی گسترده‌ای از فعالان بین‌المللی حمایت می‌شود، که این مورد بیشتر در مورد کرانه باختری صدق می‌کند تا بلندی‌های جولان. رسانه‌های جمعی و رسانه‌های اجتماعی نیز برای هشدار به عموم مردم در مورد نیاز به حمایت از مقاومت مردمی در هر دو منطقه استفاده می‌شوند (Wessels, 2015).

نمونه‌های دیگری از رویه همومونیک و ضد همومونیک در مدیریت آب آبیاری یافت می‌شود. روستاهای باقیمانده سوریه قبل از اشغال اسرائیل در سال ۱۹۶۷ حدود ۵۰۰۰ هکتار وسعت داشتند. این درحالی است که پس از اشغال ۳۰۰۰ هکتار باقی‌مانده بود که ۲۰۰ هکتار آن زمین‌های تحت آبیاری بود. کاربری اولیه زمین عمدتاً کشت گندم، جو، انجیر، عدس و انگور بود تا اینکه ۲۰ سال پیش کشاورزان باغ‌های درخت سیب را راه‌اندازی کردند. پس از ۱۰-۱۲ سال درختان شروع به میوه دادن کردند، اما محصول بدون آبیاری کیفیت خوبی نداشت. بنابراین کشاورزان سوری شروع به ساخت مخازن جمع‌آوری آب برای جمع‌آوری آب باران در زمستان کردند و در روستاها بندهایی ساختند. کشاورزان با ۱۲۰۰ میلی متر بارندگی سالانه در تابستان شروع به استفاده از آب‌انبارها برای آبیاری درختان سیب کردند. حدود ۶۰۰ مخزن با ابعاد ۷۰۰ متر مکعب ایجاد شد. علاوه بر آن، کشاورزان استخرهای آبی به قطر ۵ تا ۶ متر و عمق ۶ متر حفر کردند. بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹، ارتش اسرائیل شروع به تخریب این مخازن کرد. هر کشاورز که یک مخزن داشت به دادگاه اسرائیل فراخوانده می‌شد. بنابراین، آن‌ها مجبور به پرداخت جریمه به سازمان آب اسرائیل شدند که کشاورزان سوری از پرداخت آن خودداری کردند. امتناع آن‌ها نتیجه داد، و در سال ۱۹۸۹ مقررات مربوطه کاهش یافت به صورتی که برای ساخت یک مخزن فقط به مجوز حفاری از دفتر وزارت اسرائیل نیاز بود. در موارد دیگر زیرساخت‌های آبی، کشاورزان سوری مجاز به حفاری تا عمق ۱۲ متری هستند، اما به آن‌ها اجازه دسترسی به نقشه‌های زمین‌شناسی برای بررسی منطقه داده نمی‌شود. از سوی دیگر، مقامات اسرائیلی سه حلقه چاه عمیق ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری در نزدیکی چشمه مجدل شمس حفر کردند و شبکه حفاری خود را به

دیگر روستاهای سوریه نیز گسترش دادند. این رویکرد، هیدروهمزومنی اسرائیل را بیشتر و منجر به اختلافات عمیق‌تر میان اسرائیل و سوریه شد.

علاوه بر مشکلات معیشتی و اقتصادی در زمینه تامین آب شرب و کشاورزی ناشی از هیدروهمزومنی اسرائیل، جامعه سوریه در بلندی‌های جولان با چالش‌های زیادی برای زنده نگه‌داشتن هویت ملی سوریه خود مواجه هستند. به عبارت دیگر، جدا از هیدروهمزومنی در بلندی‌های جولان اشغالی که مستقیماً بر معیشت جوامع سوریه تأثیر می‌گذارد به‌طوری‌که بسیاری از خانواده‌ها خواهان مهاجرت هستند، سیاست‌های هویتی مانند برنامه آموزشی اسرائیل در بلندی‌های جولان اشغالی مبنی بر اسرائیلی سازی جمعیت سوریه نیز در این منطقه اعمال می‌شود. استفاده از زبان عبری در سیستم آموزشی به عنوان زبان اول اجباری است و دروس تاریخ عمدتاً بر تاریخ خاورمیانه از منظر صهیونیستی با چارچوب هویت اسرائیلی که از هویت عرب سوریه فاصله دارد، متمرکز می‌باشد. با طولانی شدن جنگ در سوریه، جلوگیری از پذیرش شهروندی اسرائیل و ساختن زندگی مناسب در داخل اسرائیل برای خانواده‌های سوریه دشوارتر می‌شود. برخی دیگر امیدوارند بتوانند فرزندان خود را در اروپا یا جاهای دیگر آموزش دهند، اما عواقب آن این خواهد بود که زمین‌های بیشتری از سوریه مصادره خواهد شد زیرا مردم سوریه برای همیشه بلندی‌های جولان را ترک می‌کنند (Evron, 2017).

همچنین، عاملیت محلی و ضد همزومنی در بلندی‌های جولان در قالب مقاومت غیر خشونت‌آمیز مداوم توسط سوریه‌ها و ساکنان لبنانی که از گرفتن تابعیت اسرائیل امتناع می‌کنند و سیستم اجتماعی موازی خود را ساخته‌اند، دیده می‌شود. در سطح محلی، مجدل شمس (Majdal Shams) در حال حاضر روستای اصلی اعراب سوریه در جولان اشغالی و همچنین مرکز اداری ساکنان سوریه در جولان اشغالی است که تابعیت اسرائیل را رد کرده است. سازمان غیردولتی محلی جاولان (Jawlan NGO) برای توسعه حمایت اجتماعی، خدمات بهداشتی، مراقبت از کودکان و آموزش فرهنگی ساکنان سوریه ایجاد شده است. امتناع از شهروندی اسرائیل توسط ساکنان سوریه پیامدهای مستقیمی برای آنها از نظر هزینه‌های تامین آب و سایر خدمات دارد (I Dababsa & Sallaq, 2020).

کوتاه‌سخن اینکه، روند هیدروهمزومنی اسرائیل بر روی حوضه رود اردن و دریاچه‌های اصلی آن از سال ۱۹۶۷ و جنگ شش روزه آغاز گردیده و این روند پس از سال ۲۰۰۰ به شکل هیدروهمزومنی نرم توسط اسرائیل دنبال شده است. مردم بومی و به خصوص جوامعی که در بلندی‌های جولان و در سوریه، لبنان نوار غزه در فلسطین قرار داند مشکلات زیادی در راستای تامین آب شرب و کشاورزی دارند که این مورد در آینده بیشتر خواهد شد. در حال حاضر پیامدهای هیدروهمزومنی اسرائیل که نوعی سلطه محسوب می‌گردد

منجر به مهاجرت مردم بومی و از بین رفتن زیرساخت‌های بومی به خصوص در نوار غزه و بلندی‌های جولان شده است و از سوی دیگر مردم با چالش‌های هویتی از قبیل رشد و گسترش فرهنگ و زبان اسرائیلی مواجه هستند. در کنار این عوامل مشکلات زیست‌محیطی، مشکلات بهداشتی، تهدید دائمی خشونت‌آمیز و مصادره زمین‌های کشاورزی پیرامون رود اردن از دیگر پیامدهای هیدروژمونی اسرائیل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه بسیاری از دولت‌ها از آب برای اعمال قدرت و سلطه بر سایر کشورها استفاده می‌کنند. در واقع در حال حاضر با توجه به گرمایش جهانی و خشکسالی و همچنین معضل کمبود آب در سایر کشورها، آب تبدیل به یک کالای استراتژیک در سطح جهان شده است. اهمیت این موضوع در مورد حوضه‌های آبی مشترک به خصوص رودخانه‌های بین‌المللی خود را بیشتر نشان می‌دهد. در این میان گاهی دولت‌هایی که از وزن ژئوپلیتیکی بالاتری نسبت به سایر کشورهای حوضه برخوردار هستند به کنترل و عدم دسترسی سایر قدرت‌ها اقدام می‌کنند که از آن به عنوان هیدروژمونی یاد می‌شود که یکی از ابعاد مطالعاتی جدید در حوزه هیدروپلیتیک محسوب می‌شود.

یکی از بارزترین نمونه‌های هیدروژمونی در سطح جهان، هیدروژمونی اسرائیل بر روی رود اردن و ایجاد سلطه بر منابع این آب می‌باشد. در واقع، رژیم صهیونیستی باهدف قلمرو گسترده‌تری بویژه در مناطق بیابانی، از طریق نظامی اقدام به اشغال مناطق بسیاری در حوضه رود اردن نموده است. با توجه به اهمیت آب برای این رژیم، اغلب مناطق اشغال‌شده، مناطقی بوده‌اند که دارای منابع آبی بالفعل یا بالقوه قابل توجهی می‌باشند. این رژیم با اشغال مناطق بالادست سرشاخه‌های اصلی رود اردن مانند بلندی‌های جولان و همچنین دریاچه‌ها و چشمه‌های محلی سعی در آن داشته است تا علاوه بر تأمین نیاز آبی خود، مانع از دسترسی مستقیم سایر جوامع به این منابع آبی گردد. بررسی هیدروژمونی اسرائیل بر روی رود اردن نشان می‌دهد که این سلطه از سال ۱۹۶۷ و پس از جنگ شش روزه آغاز شده و تا دوران کنونی ادامه یافته است. در این میان این هیدروژمونی تا سال ۲۰۰۰ به شکل هیدروژمونی سخت بوده و از سال ۲۰۰۰ تا دوران کنونی به شکل هیدروژمونی نرم اعمال شده است. همچنین دیگر ابعاد نتایج نشان می‌دهد که اعمال هیدروژمونی اسرائیل در چهار بعد کنترل جریان‌های سطحی در بلندی‌های جولان، کنترل دریاچه‌های اصلی در رودخانه به خصوص دو دریاچه جلیله و دریاچه رام، احداث کانال بر روی بحرالمیت و احداث چاه‌های عمیق در حوضه آبریز رود اردن انجام شده است.

مهم‌ترین پیامدهای اعمال هیدرهژمونی اسرائیل برای فلسطین، سوریه و لبنان در ابعادی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها در زمینه تامین آب آشامیدنی، مهاجرت مردم بومی، مشکلات زیست محیطی، مشکلات هویتی و غیره قرار دارند. در مورد تامین آب آشامیدنی باید گفت که یکی از اقدامات این رژیم، انتقال آب به دریاچه بحرالمت از طریق کانال می‌باشد. این امر برای رژیم مزایایی از جمله تولید انرژی الکتریکی برق‌آبی و جلوگیری از شور شدن آب دریاچه دارد که در نتیجه می‌تواند از آن برای گسترش صنعت کشاورزی خود استفاده نماید. اما این اقدام منجر به شور شدن بخش قابل توجهی از اراضی کرانه باختری که در مسیر کانال قرار دارند خواهد گردید که در نتیجه بر آب شرب و کشاورزی ساکنان آن تاثیر مستقیم خواهد داشت. همچنین رژیم صهیونیستی با احداث چاه‌های عمیق و ممانعت از احداث چاه توسط جوامع محلی، سعی در افزایش سیطره خود در داخل منطقه دارد. در این رویکرد، هر چند از هژمونی نرم استفاده می‌شود اما با ایجاد شرایط نامناسب زندگی، جوامع محلی مجبور به پذیرش قوانین این رژیم در جهت تامین نیازهای استراتژیک آن می‌شوند. از دیگر پیامدها مهاجرت مردم بومی می‌باشد. مهاجرت مردم بومی به خصوص در بلندی‌های جولان و نوار غزه به گونه‌ای بوده که قبل از تصرف و سلطه، جمعیت مردم سوریه در بلندی‌های جولان و حوضه آبریز رود اردن برای مردم سوریه ۱۲۸ هزار نفر بوده و این عدد در سال ۱۳۹۰ به حدود ۶ هزار نفر رسیده و در حال حاضر در سال ۱۴۰۱ تنها بقایایی از روستاهای ویران شده باقی مانده است. علاوه بر این از دیگر پیامدها می‌توان به مشکلات معیشتی و اقتصادی در زمینه تامین آب شرب و کشاورزی، مشکلات زیست محیطی، مشکلات بهداشتی، تهدیدات دائمی خشونت‌آمیز و مصادره زمین‌های کشاورزی و همچنین ایجاد چالش‌های هویتی برای مردم بومی از طریق رشد و گسترش هویت و زبان عبری در مناطق حوضه آبریز اشاره کرد.

کتابنامه

۱. آقاعلیخانی، سعید (۱۳۸۶). تحلیل‌ها: بررسی تحولات اخیر در سرزمین‌های اشغالی. رویدادها و تحلیل‌ها، ۲۱۱(۲۱).
۲. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/101240242-39>
۳. انجمن علمی سامانه‌های سطوح آبگیر باران ایران (۱۴۰۱). منتظر جنگ بر سر آب باشید.
۳. بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). پاسخ آمریکا به رشد چین: استراتژی بازبانی توازن. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۰)، ۹۳-۱۳۶.
۴. رحیمی، غلامرضا (۱۳۸۸). چالش‌های اصلی رژیم اشغالگر قدس. علوم و فنون نظامی، ۶(۱۳)، ۹۹-۱۰۸.
۵. http://www.qjmst.ir/article_27124.html
۵. سرخیل، بهرام (۱۴۰۰). آب و راهبرد هیدروهژمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱(۲)، ۹۷-۱۲۵.
۵. <https://doi.org/10.22034/irr.2021.299229.2025125-97>

۶. قریشی، سیده زهره، میان‌آبادی، حجت، موسوی شفقانی، سید مسعود (۱۳۹۸). نقش قدرت در دیپلماسی آب. تحقیقات منابع آب ایران، ۱۵(۲)، ۲۴۲-۲۶۴. http://www.iwrr.ir/article_85778.html
۷. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۸). هیدروپلیتیک؛ زمینه‌ها و بنیادها؛ سویه‌ها و رویکردها، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. مختاری هشی، حسین، قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۸). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵م مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۴(۱۱)، ۷۴-۳۶. http://journal.iag.ir/article_57064.html
۹. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. (۱۳۹۵). هیدروهمونی آبراه‌های مرزی کشورهای خاورمیانه.
۱۰. موسوی، سیدابراهیم، صلاحی، سهراب، عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۹). تحلیل ابعاد حقوقی تصمیم آمریکا در شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۰(۱۲)، ۷۸۱-۷۹۹.
۱۱. مولایی، کاویانی راد، مراد، ربیعی، حسین، احمدی، وحیده (۱۴۰۰). تأثیر کم‌آبی جنوب غرب آسیا بر قلمروگستری هیدروپلیتیک رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۴(۹۲)، ۱۰۵-۱۴۱.
۱۲. نیرومندفرد، فریبا، شهیدی، علی (۱۳۹۷). هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه کردن مصرف آب‌های مشترک مرزی. سیاست جهانی، ۷(۲)، ۲۳۳-۲۵۹.
۱۳. هاگت، پتر (۱۳۹۲). جغرافیا: ترکیبی نو، مترجم: شاپور گودرزی‌نژاد. (Ed.). سمت.
14. Analytica, O. (2016). Turkey and Russia will benefit from repaired relations. *Emerald Expert Briefings*, oxan-es. <https://doi.org/10.1108/OXAN-ES212049>
15. Boelens, R., & Hoogendam, P. (2002). *Water rights and empowerment*. Uitgeverij Van Gorcum.
16. Buzan, B. (2008). *People, states & fear: an agenda for international security studies in the post-cold war era*. ECPR press.
17. Buzan, B., Buzan, B. G., W'ver, O., Waever, O., & Buzan, O. W. B. (2003). *Regions and powers: the structure of international security* (Vol. 91). Cambridge University Press.
18. Chambers, R. (2013). *Ideas for development*. Routledge.
19. *CIA Factbook*. (2021).
20. Cooley, J. K. (1984). The war over water. *Foreign Policy*, 54, 3-26.
21. Dajani, M. (2011). *Dry Peace: Syria-Israel and the Water of the Golan*. International Centre for the Study of Radicalisation and Political Violence.
22. DellaPergola, S. (2022). World Jewish Population, 2021. In *American Jewish Year Book 2021* (pp. 313-412). Springer.
23. Evron, Y. (2017). The economic dimension of China-Israel relations: political implications, roles and limitations. *Israel Affairs*, 23(5), 828-847.
24. Farnum, B. (2014). *HH7: Contesting Hegemony: Proceedings of the Seventh International Workshop on Hydro-Hegemony*.
25. Farnum, R. (2013). Proceedings of the Sixth International Workshop on Hydro-Hegemony: Transboundary Water Justice, 12-13 January 2013, UEA London, London, United Kingdom. Accessed Online, 26.
26. Gvirtzman, H. (2012). *The Israeli-Palestinian Water Conflict: An Israeli Perspective*. Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
27. Hewedy, A. (1989). *Militarization and security in the Middle East: its impact on*

- development and democracy. United Nations Univ.
28. I Dababsa, T., & Sallaq, S. (2020). *Environmental Social, and Cultural Heritage Impact Assessment for a Wastewater Treatment Plant to be built in Wadi Al Samen*.
 29. Inbar, E. (2011). *Israeli control of the Golan Heights: high strategic and moral ground for Israel*. JSTOR.
 30. Iyob, B. (2010). *Resilience and adaptability of transboundary rivers: the principle of equitable distribution of benefits and the institutional capacity of the Nile Basin*. Oregon State University.
 31. Jones, G. N. (2003). *Hydropolitics in the 3rd World: Conflict and Cooperation in International River Basins*. JSTOR.
 32. Kipnis, Y. (2013). *The Golan Heights: Political history, settlement and geography since 1949*. Routledge.
 33. Lazerwitz, D. J. (1993). The flow of international water law: The international law commission's law of the non-navigational uses of international watercourses. *Indiana Journal of Global Legal Studies*, 247–271.
 34. Lowi, M. R. (1995). *Water and power: The politics of a scarce resource in the Jordan River basin* (Issue 31). Cambridge University Press.
 35. Lynk, M. (2007). Conceived in Law: The Legal Foundations of Resolution 242. *Journal of Palestine Studies*, 37(1), 7–23. <https://doi.org/10.1525/jps.2007.37.1.7>
 36. Melloul, A. J., & Collin, M. L. (2003). Harmonizing water management and social needs: a necessary condition for sustainable development. The case of Israel's coastal aquifer. *Journal of Environmental Management*, 67(4), 385–394. [https://doi.org/10.1016/S0301-4797\(02\)00223-2](https://doi.org/10.1016/S0301-4797(02)00223-2)
 37. Mianabadi, H. (2016). *Hydropolitics and conflict management in transboundary river basins*.
 38. Molony, J., Stewart, M., & Tuohy-Hamill, N. (2009). *From settlement to shelf: the economic occupation of the Syrian Golan*. Al-Marsad Majdal Shams.
 39. Morgan, P. M. (2003). *Deterrence now* (Vol. 89). Cambridge University Press.
 40. Murphy, R., & Gannon, D. (2008). CHANGING THE LANDSCAPE: ISRAEL'S GROSS VIOLATIONS OF INTERNATIONAL LAW IN THE OCCUPIED SYRIAN GOLAN. *Yearbook of International Humanitarian Law*, 11, 139–174. <https://doi.org/DOI: 10.1017/S1389135908001396>
 41. OCHA, U. N. (2012). „*How Dispossession Happens: The Humanitarian Impact of the Takeover of Palestinian Water Springs by Israeli Settlers*“. March.
 42. Rai, S. P., Wolf, A. T., Sharma, N., & Tiwari, H. (2017). Hydropolitics in transboundary water conflict and cooperation. In *River system analysis and management* (pp. 353–368). Springer.
 43. River, J. (n.d.). A4. AMNESTY INTERNATIONAL, “TROUBLED WATERS—PALESTINIANS DENIED FAIR ACCESS TO WATER,” LONDON, 27 OCTOBER 2009.
 44. Rogers, J. D. (2004). Water and Environmental Security in the Middle East. In *Studies in Military Geography and Geology* (pp. 333–343). Springer.
 45. Sagive, M., Obidallah, M., Al-Asad, H., Shalan, F., Alon, H., Al Khateeb, M., & Bromberg, G. (2012). Community Based Problem Solving on Water Issues: Cross-Border ‘Priority Initiatives’ of the Good Water Neighbors Project. *Amman: Friends of the Earth Middle East*.
 46. Samuelson, K. (2016). „Why Jerusalem Isn't Recognized as Israel's Capital,“. Retrieved March, 12, 2019.

47. Selby, J. (2013). Cooperation, domination and colonisation: The Israeli-Palestinian joint water committee. *Water Alternatives*, 6(1), 1.
48. Seligman, D. (2008). World's major rivers: An introduction water law with case studies. *Las Vegas: Colorado River Commission of Nevada*.
49. Sharp, J. M. (2008). *The "Red-Dead" Canal: Israeli-Arab Efforts to Restore the Dead Sea*.
50. Sinaee, V. (2012). Hydropolitics and Human Security: Water Cooperation in Relations between Iran, Afghanistan and Turkmenistan. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2(3), 111–133.
51. Skolnik, F., & Berenbaum, M. (2007). *Encyclopaedia Judaica*. Thomson Gale.
52. Trottier, J. (1999). *in the West Bank and Gaza Strip*.
53. UNEP. (2016). *Transboundary River Basins: Status and Trends*. United Nations Environment Programme (UNEP) Nairobi, Kenya.
54. United Nations. (2006). *Human rights in the occupied Syrian Golan: report of the Secretary-General*.
55. Wessels, J. I. (2015). Challenging hydro-hegemony: hydro-politics and local resistance in the Golan Heights and the Palestinian territories. *International Journal of Environmental Studies*, 72(4), 601–623.
<https://doi.org/10.1080/00207233.2015.1041836>
56. Wessels, J. I. (2016). "Playing the game", identity and perception-of-the-other in water cooperation in the Jordan River Basin. *Hydrological Sciences Journal*, 61(7), 1323–1337.
57. Zawahri, N. A. (2017). *Water Security in the Middle East and North Africa*.
58. Zeitoun, M., Eid-Sabbagh, K., Talhami, M., & Dajani, M. (2013). Hydro-hegemony in the Upper Jordan waterscape: control and use of the flows. *Water Alternatives*, 6(1), 86.
59. Zeitoun, M., & Mirumachi, N. (2008). Transboundary water interaction I: Reconsidering conflict and cooperation. *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, 8(4), 297–316.
60. Zeitoun, M., & Warner, J. (2006). Hydro-hegemony—a framework for analysis of trans-boundary water conflicts. *Water Policy*, 8(5), 435–460